

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۷

نگاهی به احوال و آثار انقروی و گزیده او از مثنوی با عنوان نصاب مولوی

محمودرضا اسفندیار^۱

چکیده:

مثنوی بی شک یکی از مهم‌ترین منابع معارف دینی و عرفانی در فرهنگ اسلامی به شمار می‌رود. از این‌روست که از این اثر شروح و گزیده‌های متعددی در اقصی نقاط جهان اسلام به زبان‌های گوناگون فراهم آمده است. از جمله این گزیده‌ها نصاب مولوی از آن اسماعیل انقروی، شارح شهیر مثنوی و از مشایخ طریقه مولویه است. انقروی در این گزیده با الهام از آثار عرفانی مهمی مانند منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری و مصباح الهدایه عزالدین محمود کاشانی اهم مقامات و موضوعات عرفانی را در سه قسم طریقت، شریعت و حقیقت تنظیم کرده است. مولف پس از ارائه تعریفی مختصر از مفاهیم و موضوعات عرفانی پیشگفته - که اغلب از دو اثر فوق‌الذکر اقتباس شده - به تناسب، ابیاتی را از دفاتر مختلف مثنوی نقل کرده است. در پایان مقاله نسخه‌های خطی نصاب مولوی که در کتابخانه‌های مختلف ترکیه و ایران نگهداری می‌شود، معرفی شده است.

کلید واژه‌ها:

مثنوی، گزیده، مولویه، انقروی، نصاب مولوی.

^۱ - دانشیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد

پیشگفتار

مثنوی شریف که در نوع خود یگانه و بی‌همتا است نه تنها در عرفان و ادب فارسی بلکه در ادبیات جهان جایگاه ویژه‌ای دارد. مثنوی در واقع دائرةالمعارف معارف دینی و اندیشه‌ها و تأملات عرفانی به شمار می‌رود. از مثنوی گزیده‌ها و شروح فراوانی به زبان‌های مختلف خصوصاً فارسی و ترکی فراهم آمده است که خود گواه بر اهمیت، جایگاه ممتاز و تأثیر گسترده آن در جهان اسلام و اقصی نقاط عالم است.

تهیهٔ منتخبات و تلخیص مثنوی دست کم از اوایل قرن نهم هـ ق با آثار جامی آغاز شد اما نخستین گزیده مثنوی در سرزمین عثمانی را یوسف سینه چاک (د. ۹۵۳.هـ ق) زمانی بین سال‌های ۹۰۰ تا ۹۰۳ هـ ق فراهم ساخت و آن را جزیرهٔ مثنوی نامید. او از هر یک از دفاتر ششگانهٔ مثنوی شصت بیت را برگزید و آنها را پشت سرهم قرار داد به صورتی که متنی دارای ۳۶۰ بیت مسلسل به چشم می‌آمد. گزیدهٔ سینه چاک از مثنوی الهام بخش تألیف سومین دسته کتاب به نام شرح بر جزیره، خاصه در میان مولویان و یاران ملامتی مشرب آنان، به زبان ترکی شد. سی سال بعد، در سال ۹۳۷ ق شاهدی، درویش پرکار مولوی گلشن توحید خود را به اتمام رساند. شاهدی ۶۰۰ بیت از مثنوی مولوی را برگزید؛ در شرح هر بیت از مثنوی پنج بیت، جمعاً ۳۰۰۰ بیت، از خود به زبان فارسی سرود و بر آن افزود تا پیوند معنایی برخاسته از بین ابیات منتخب خود را به صورت خلاصه توضیح دهد. صبوحنی احمد دده (د. ۹۵۴.هـ ق) شیخ مولوی خانهٔ ینی قاپو، منتخبات خود از مثنوی را به نام اختیارات مثنوی، در سال ۱۰۲۶ هـ ق فراهم ساخت. گزیدهٔ ابیات مثنوی گاهی بخشی از جُنگ یا گلچین اشعار شاعران محبوب را تشکیل می‌داد؛ نمونهٔ آن را می‌توان در نسخهٔ خطی دو جلدی محفوظ در موزهٔ قونیه دید، که مشتمل است بر گزیده‌هایی از مثنوی مولوی و اشعاری از عراقی، امیر خسرو، شبستری و

نگاهی به احوال و آثار انقروی و گزیده‌ او از مثنوی با عنوان نصاب مولوی / ۱۴۵

دیگران (نک. لوئیس، ۱۳۸۵: ۶۰۶-۶۰۷) یکی از گزیده‌های مهم مثنوی در سرزمین عثمانی، از آن شارح معروف مثنوی، اسماعیل انقروی است که نصاب مولوی نام دارد.

اسماعیل انقروی

رسوخ‌الدین اسماعیل بن احمد، متخلص به رسوخی و مشهور به رسوخی دده، به دلیل انتساب به مولدش انقره (آنکارا) به انقروی معروف است و با شهرتی که شرح مثنوی برای او رقم زده عنوان «حضرت شارح» را به خود اختصاص داده است. تخلص انقروی در اشعارش «رسوخی» است و «الرسوخ» بر تاریخ احداث مولوی خانه غلطه (۸۹۷ ق/ ۱۴۹۱ م) که وی مدتی طولانی شیخ آن خانقاه بود، دلالت دارد. از تاریخ تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست اما از شواهد و قرائنی مانند تاریخ درگذشتش (۱۰۴۱ ق/ ۱۶۳۱ م) چنین بر می‌آید که در نیمه دوم قرن دهم هجری متولد شده است. (Yetik, 1992, p.51)

ورود به طریقت

انقروی پیش از ورود به طریقت، به یادگیری علوم رایج زمان خود در سطوح عالی پرداخت و همزمان زبان فارسی و عربی را در سطحی که بتواند به این دو زبان شعر بسراید فراگرفت. (Yetik, 1992, p.52)

انقروی ابتدا به طریقه بایرامیه پیوست و تا مقام شیخی پیش رفت. همچنین به اشاره خودش، پیش از ورود به طریقه مولویه از طریقه خلوتیه نیز اجازه داشته است. انتساب وی به بایرامیه با در نظر گرفتن رواج آن در این دوره پذیرفتنی می‌نماید اما توضیح ارتباط وی با خلوتیه مشکل است. زیرا به غیر از اشاره مختصر خود او، در سایر منابع به این موضوع اشاره‌ای نشده است. (Ibid, p.53) ظاهراً انقروی مولویه را شاخه‌ای از خلوتیه می‌دانسته است. (نک. گولپینارلی، ۱۳۶۶: ۲۴۴)

درباره پیوستن انقروی به مولویه نقل است که او در مقام شیخ طریقه بایرامیه به انجام وظایف طریقتی‌اش مشغول بود که ناگهان بینایی‌اش را از دست داد. در انقره مداوا نشد و بسیار مضطرب و پریشان خاطر به عزم زیارت و طلب شفا از تربت مولانا راه قونیه را در پیش گرفت. در آنجا «خاک پای حضرت خداوندگار را بر صورت مالیده» و این بیت را خواند:

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟

بنابر روایات موجود در آن هنگام با عنایت شیخ طریقت مولوی، بوستان چلبی (د. ۱۰۴۰/ق/۱۶۳۰م) دیدگان انقروی صحت و سلامت یافت. «حضرت شارح» از اینکه می‌توانست بخواند و به تتبعات علمی‌اش ادامه دهد بسیار مسرور و خرسند گردید. بدین ترتیب انقروی تحت ارشاد بوستان چلبی به طریقه مولویه وارد شد. (Yetik, loc.cit) انقروی در مدح بوستان چلبی غزلی سرود که بیانگر ارادت و علاقه وافر او به شیخ است. (گولپینارلی، ۱۳۶۶: ۲۰۶)

طریقه مولویه در زمان بوستان چلبی، اشاعه زیادی یافت. از جمله چون زاویه شام کوچک بود، مولوی خانه فعلی را در آنجا ساختند و از چلبی، شیخی برای آن درخواست کردند. چلبی، قرتال دده را روانه شام کرد. مولوی خانه گلیبولی برای آغازاده محمد دده (د. ۱۰۶۴/ق) از پیروان بوستان چلبی بنا شد. مولوی خانه ینی قاپو که پس از مولوی خانه غلطه استامبول بزرگترین مولوی خانه شهر بود و به کمال احمد دده (د. ۱۰۱۰/ق/۱۶۰۱م) خلیفه خسرو پاشا اختصاص داشت، به سال ۱۰۰۶/ق/۱۵۹۷م در زمان بوستان چلبی ساخته شد. (همان: ۲۰۵)

انقروی که با تصوف و تجربیات عرفانی آشنایی داشت در طی مدت اقامت‌اش در قونیه آداب و اصول مولویه را فرا گرفت و پس از اتمام مراتب سیر و سلوک در مقام شیخ طریقه مولویه در تاریخ (۱۰۱۹/ق/۱۶۱۰م) به مولوی خانه غلطه در استانبول فرستاده شد. انقروی ۲۱ سال تمام بدون وقفه تا زمان مرگش شیخ مولوی خانه غلطه بود و به تالیف آثار عرفانی و تربیت مریدان روزگار می‌گذراند. (Yetik, 1992, p.60)

دفاع از طریقت و عرفان در برابر مخالفان

انقروی نیز مانند بسیاری از اهل طریقت و عرفان در معرض تکفیر، تهدید و خصومت مخالفان قرار داشت که در نهایت به تبعید او انجامید. (Yetik, 1992, p.55) شاید به همین دلیل است که در آثار خود از جمله شرح مثنوی مطابق رسم زمان و پیروی از گذشتگان، مسائل تصوف و عرفان را با رمز و اشاره و کنایه و استعاره و ابهام و الفاظ لغزنده ذکر کرده است. (سلماسی زاده، ۱۳۶۹: ۶/۱)

مهمترین جریان مخالف تصوف در این دوره قاضی زادگان بودند. این جریان تحت تاثیر شخصی به نام قاضی زاده محمد افندی (د. ۱۰۴۵/ق/۱۶۳۵م) بوجود آمد. او اهل بالیکیسیر و فرزند قاضی مصطفی افندی بود و از این رو به قاضی زاده ملقب شده است. قاضی زاده ابتدا

نگاهی به احوال و آثار انقروی و گزیده‌ او از مثنوی با عنوان نصاب مولوی / ۱۴۷

نزد برکوی زاده محمد (د. ۹۸۱ ق/ ۱۵۷۳ م) به تحصیل پرداخت. برکوی افکاری شبیه به وهابیان داشت و می‌خواست به زعم خود اسلام را از بدعت‌ها و کنجروی‌ها بپیراید. قاضی زاده مدتی به تصوف علاقمند شد اما دیری نپایید که راه استادش را در پیش گرفت. او بزودی با قدرتی که در وعظ و خطابه داشت به شهرت رسید تا جایی که به دربار راه پیدا کرد. او ابتدا در جامع سلطان سلیم استانبول وعظ می‌کرد و پس از آن به سمت خطیب ایاصوفیه منصوب شد. قاضی زاده سماع مولویان را حرام می‌دانست. او آشکارا با ارباب طریقت درستی می‌کرد و با الفاظ زنده‌ای در باب آنان سخن می‌گفت. بدین ترتیب به گروه واعظانی که با قاضی زاده هم عقیده و مخالف صوفیان بودند به قاضی زادگان مشهور شدند. (گولپینارلی، ۱۳۶۶: ۲۰۷-۲۰۸؛ همچنین نک. Yetik, 1992, p.61)

انقروی کوشید تا با بهره‌گیری از دانش خود در علوم و معارف اسلامی خصوصاً قرآن و حدیث و همچنین آثار مهم عرفانی پیش از خود، از اصول عرفان و تصوف دفاع کند. او در برابر منکران به نگارش آثاری مانند *حجّه السماع* پرداخت. او در مقدمه این رساله می‌گوید: «... بعضی از برادران ما گاهی می‌بینند که بعضی از منکران که بر طریقت ما طعن می‌کنند و به انکار آن می‌پردازند، ارکانی که از مشایخ ماست و طریقت سلطان مرشد ما، سلطانی که مولا و سرور عارفان و واصلان و عاشقان است... برادران ما که آن منکران را می‌بینند، از این فقیر التماس کردند و خواستند که به آن منکران پاسخ شافی داده شود و با بیان کافی برهان قید گردد». (انقروی، ۱۳۸۶: ص ۱۶۷)

انقروی در ادامه می‌گوید: «باید بر آن منکران از کلام رسول - علیه‌السلام - و سخنان علمای فحل حجت ابراز کنیم، زیرا آن منکران می‌پندارند که به تحقیق این طریقت بدعت و گمراهی است و سالکان این طریقت اهل بدعت و وبال‌اند. ما از سوءظن به اهل کمال به خدا پناه می‌بریم». (همانجا)

انقروی در سال ۱۰۴۱ ق/ ۱۶۳۱ م درگذشت و بر طبق وصیتش در مولوی خانه غلظه به خاک سپرده شد. خالد سعید افندی (د. ۱۲۳۹ ق/ ۱۸۲۳ م) در سال ۱۲۳۵ ق/ ۱۸۱۹ م بر مزار وی بنایی سنگی ساخت که تا امروز باقی است. (Yetik, 1992, p.58)

شخصیت علمی و ادبی انقروی

بی‌شک انقروی را باید از شخصیت‌های علمی و ادبی عصر خویش به شمار آورد. از او

آثار ارزشمندی به سه زبان فارسی، ترکی و عربی برجای مانده است. در شرح مثنوی چنان موفق بود که پس از او شیوه و اسلوب وی شرط اصلی اجازه نامه‌ای شد که در خواندن مثنوی به اشخاصی که خواهان مثنوی خوانی بودند اعطا می‌شد. انقروی با مهارت‌های علمی و ادبی که در شرح مثنوی از خود نشان داد به «حضرت شارح» ملقب شد. زبان آثارش بسیار ساده و زیباست. به خصوص در شرح مثنوی در بخش حکایات، زبان عامیانه و ضرب‌المثل‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. این نکته نشان می‌دهد که او از ذوق هنری نیز برخوردار بوده است. برای شناخت دقیق‌تر شخصیت ادبی وی بی‌شک به مطالعه اشعارش نیازمندیم. در وصف بزرگی شخصیت ادبی وی شیخ غالب (د. ۱۲۱۳ق/ ۱۷۸۹م) قصیده‌ای سروده که ابیاتی از آن به شرح ذیل است:

ای کاشف اسرار نهران حضرت شارح روپوش تجلی عیان حضرت شارح
با نور یقین سالک اطوار حقیقت صاحب‌قدم‌کشف و بیان حضرت شارح

(Ibid, p.61)

آثار

از انقروی آثار متعددی بر جای مانده است که شماری از مهم‌ترین آنها عبارتند از: فاتح الابیات: شرح مثنوی در هفت جلد که به مثنوی شریف شرحی (استامبول، ۱۸۷۲م) نیز مشهور است. این شرح مشتمل است بر ترجمه ترکی یک یک ابیات فارسی مثنوی، همراه با شرح آن؛ نیکلسون یادآور شده است که شرح انقروی بیش از همه شروح دیگر برای نوشتن شرح او بر مثنوی سودمند افتاده است. (نیکلسون، ۱۳۷۴: ۲/۱)

فروزانفر شرح انقروی را فاضلانه و محققانه می‌داند. (فروزانفر، ۱۳۴۶: هجده) شرح انقروی مشحون از آیات قرآن، اخبار و احادیث نبوی و کلمات بزرگان اسلام است. تفسیر انقروی در حدود عناصر و مواد ظاهری گفتار مولوی متوقف است. شارح به طبقه بندی علمی مطالب مثنوی توجه نداشته است؛ از این رو به ندرت در مقام تبیین ابیات از مثنوی مدد می‌گیرد. همچنین از اشعار نغز و دلکش و سر تا پا شور و هیجان دیوان شمس و سایر آثار منثور مولانا نشانی در این شرح دیده نمی‌شود. (سلماسی‌زاده، ۱۳۶۹: ۶-۷)

شرح انقروی بین مولویه مورد پسند واقع شد و از این رو انقروی به نام «حضرت شارح» و

نگاهی به احوال و آثار انقروی و گزیده او از مثنوی با عنوان نصاب مولوی / ۱۴۹

«شارح انقروی» شهرت یافت. گولپینارلی، مولوی شناس بزرگ ترک، این اشتها را بر حق نمی‌داند. چراکه انقروی دیگر آثار مولانا و مقالات شمس را نخوانده و از این‌رو، از حکایات مندرج در مثنوی که اصل آنها در مقالات است، بی‌خبر مانده و علاوه بر اینها، نسخه صحیحی را مبنای شرح خود قرار نداده است. شارح، از اسلوب کار و فلسفه مولانا بی‌اطلاع است و با اتکا بر فلسفه ابن عربی مثنوی را شرح کرده و همچنین با شرح دفتر جعلی هفتم به تأیید آن برخاسته است. بر اشکالات فوق، عدم وقوف وی بر اصطلاحات زبان فارسی را باید بیفزاییم. (گولپینارلی، ۱۳۶۶: ۱۸۷-۱۸۸)

اما انقروی می‌گوید که در سال ۱۰۳۵ هـ.ق به نسخه‌ای از مثنوی [مشمول بر هفت دفتر] که سال ۸۱۴ هـ.ق استنساخ شده بود، دست یافته و با مطالعه تمام آن نسخه، یقین حاصل کرده است که دفتر هفتم نیز از آن مولانا است. انقروی به منتقدان خود چنین پاسخ داد که آنان قدرت تمییز بین کلام مولانا و دیگران را ندارند و از سر حسد به مخالفت برخاسته‌اند. (حاجی خلیفه، ۱۴۱۰: ج ۲: ۱۵۸۸-۱۵۸۹)

چنگی یوسف دده طرابلسی شیخ مولویه در بشیکطاش (د ۱۰۸۰ هـ.ق/ ۱۶۶۹ م) با خلاصه کردن بعضی قسمت‌های شرح انقروی، آن را به عربی ترجمه کرد. این کتاب که المنهج القوی فی شرح المثنوی نام دارد، در سال ۱۲۸۹ هـ.ق در قاهره منتشر شده است. (گولپینارلی، همانجا) مجلداتی از شرح انقروی به قلم اکبر بهروز و عصمت ستارزاده به فارسی ترجمه، و در ۱۳۴۸ ش در تهران چاپ شده است.

رساله اصول طریقت: انقروی در این رساله که به ترکی است، به آداب طریقه مولویه و کیفیت ورود به آن پرداخته است. از جمله درباره نسبت طریقتی مولانا می‌گوید: «ای عارف شریعت و ای طالب حقیقت، آگاه باش که طریقت حضرت مولانا با سلسله به حضرت علی - کرم الله وجهه - می‌رسد. طریقی است که حالیا در بین سالکان آن به نام خلوتیه خوانده می‌شود». (گولپینارلی، ۱۳۶۶: ۲۴۴)

انقروی در این رساله طریقت مولانا را آمیزه‌ای از زهد و عشق می‌داند. به زعم او مولانا پیش از دیدار با شمس از مذهب زهد پیروی می‌کرد و پس از آن به مشرب عشق و سماع راه یافت. به عقیده انقروی در سلوک، دوازده مقام وجود دارد که در هفت مقام نخستین، هستی سالک و هستی کائنات زایل می‌شود. سالک در مرتبه هشتم به مقام «فنا» می‌رسد و در مرتبه دوازدهم هم سرّ وحدت را ادراک می‌کند. (همانجا)

منهاج الفقرا: در طریقت و شریعت و مراتب سلوک به زبان عربی.
حجه السماع: رساله مختصری در دفاع از جواز سماع درویشان مولویه به ترکی.
جامع الابیات: در شرح آیات و احادیث و ابیات عربی و بعضی الفاظ مشکل مثنوی به ترکی. او این کتاب را در ایامی که به زیارت مرقد مولانا رفته بود تألیف کرده است.
از دیگر آثار او می‌توان به شرح نقش فصوص، شرح هیاکل النور، مفتاح البلاغه و مصباح الفصاحه، نصاب مولوی و... اشاره کرد.^۱

نصاب^۲ مولوی

۱- معرفی اثر:

این کتاب گزیده‌ای است از مثنوی که انقروی بنا به درخواست شیخ الاسلام یحیی افندی (د ۱۰۵۳ق/ ۱۶۴۳م) آن را در سال ۱۰۴۱ه.ق/ ۱۶۳۱م. یعنی آخرین سال حیات خود به فارسی تألیف کرده است. (حاجی خلیفه، ۱۴۱۰: ۱۵۸۸-۱۵۸۹) ظاهراً این کتاب آخرین تألیف اوست. انقروی در صفحات آغازین نصاب، سبب تألیف این کتاب را چنین بیان کرده است:

«... این فقیر مولوی شیخ اسماعیل انقروی در روز عید و در وقت مبارک و سعید به زیارت شیخ الاسلام و المسلمین ناصر شریعت، سید الانام و المرسلین، مخدوم عالمیان، محبوب قلوب اصحاب علوم و عرفان، نادره الزمان، صاحب البلاغه و البیان، موصل الخیرات و الاحسان الی العلماء و الفقرا و سایر عباد الرحمن، ملجاء الموالی، ملاذ الاعالی، عالم اسرار الصمدی، اعنی حضرت یحیی افندی - سلمه الله تعالی دهرأ و لازال - وجوده للاسلام فخرأ و جوده للانام زخرأ؛

تا قیامت گر بگویم وصف او هیچ آن را غایت و مقطع مجو^۳

(۱/۲۹۶۸)

یک دهان خواهم چو پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشک ملک^۴

(۵/۱۸۸۴)

رفتم چون صحبت شریفه‌اش در ایمن اوقات و اشرف ساعات - بحمدالله و المنه - میسر افتاد، بقای آن حضرت، دل و جان را صفا و روح [و] روان را جلای دیگر ارزانی داد. چون آن خُلق عظیم و خوی کریم را مشاهده کردم، در میان مصاحبت و در خلال مباسطت از مثنوی شریف این بیت لطیف را بر سبیل مناسبت به زبان آوردم و گفتم:

من ندیم در جهان جستجو هیچ اهلیت به از خوی نکو

(۲/۸۱۲)

آن حضرت - خلد الله ظلالة - وافر حظی و بشاشتی نمود و «حقاً که چنین، بی شبهه چنین است» فرمود و گفت: «اینچنین ابیات را از مثنوی، من وقتی انتخاب کرده بودم تا کتابی شود لیکن وقتم مساعد و اتمامش مرا میسر نبود».

پس مرا گفت آن جناب ذوفنون	منبع اسرار و مصباح درون
اینچنین ابیات خوش از مثنوی	گر ز هر نوعی گزیده می کنی
انتخابی کرده باشی جان فزا	سالکان را تحفه باشد بس سزا
چون شنیدم آن کلام مستطاب	در دلم شد رغبتی بر انتخاب
چونکه بیرون می شدم زان خوش حرم	آن تقاضا در درون می زد علم
استخاره کردم آخر در شبی	کار این دیدم مبارک مطلبی
استعانت خواستم از رب دین	که کند بر من میسر جمع این
پس نوشتم این جریده پر عیر	بهر هر دریا دل نیکو گهر
تا طریقت نامه ^ه ای باشد دگر	سالکان راه حق را ای پسر
پس به جمع انتخابش ای همام	جهد کردم شد بحمدالله تمام
چون گزیدم از کتاب مثنوی	نام این کردم نصاب مولوی
هر که باشد مولوی، سازد ابد	این کتاب جانفزا را یار خود
خواند این را روز و شب بهر عمل	تا رهد از دست نفس پر دغل
داند احوال طریقت را تمام	یابد اندر انتها عالی مقام
هم کتاب مثنوی را مستعد	باشد از در علم این گردد مجد
یا رب این را نفع کن بر مسلمین	همچنانکه نفع کردی اصل این

امید از فضل و رحمت الهی آن است که این کتاب را به طلاب علوم و اسرار، مفید و کافی

سازد و مسئول از کرم و عنایت نامتناهی آنچنان است که نیت جامع این ابیات و کلمات را از شویب سُمعه و ریا و از اغراض نفس و هوا پاک پردازد- باسمه التَّوَاب». (نصاب مولوی، نسخه خطی، دانشگاه تهران، نسخه شماره ۶۵۳۲، برگ‌های ۲-۳)

عبدالباقی گولپینارلی، نصاب را اثری عربی و ترجمه منهای الفقرا دانسته است. نگاه کنید به: (گولپینارلی، ۱۳۶۶: پاورقی ۲۴۱). دائرةالمعارف ترک، نصاب مولوی را بعد از شرح مثنوی از مهمترین آثار انقروی دانسته و برخلاف نظر گولپینارلی منهای الفقرا را ترجمه عربی نصاب المولوی به شمار آورده است. (Yetik, 1992: p. 117)

از نصاب مولوی چاپی سنگی با این مشخصات در دست است:

نصاب مولوی معنوی یا غنچه صدربرگ^۶ از کلام جلال الدین الرومی، به اهتمام ملک الکتاب، بمبئی: ۱۳۰۹ ه. ق، ۸۸ ص.

یکی از درویشان طریقه مولویه به نام طاهرالمولوی^۷ نصاب را به ترکی عثمانی ترجمه کرده است. این اثر با این مشخصات منتشر شده است:

şeyh İsmail Ankaravî, Nisabül- mevlevi: Mevlevilik yolunun esasları, Hazırlayan: bekir şahin, Damla, İstanbul, 2007.

شیخ اسماعیل انقروی، نصاب المولوی: اصول طریقت مولویه، به کوشش بکری شاهین، انتشارات داملا، استانبول، ۲۰۰۷.

۲- ساختار و محتوا

نصاب مولوی از سه قسم تشکیل یافته است: قسم اول در باب طریقت، قسم دوم در باب شریعت و قسم سوم در باب معرفت و حقیقت است.^۸ هر قسم مشتمل بر ده باب است اما هر باب قسم سوم ده درجه نیز دارد. این درجات از یقظه آغاز و به توحید پایان می‌یابد.

از مقایسه عناوین و مطالب باب‌های قسم اول و دوم نصاب با عناوین و مطالب «باب»ها و «فصل»های مصباح‌الهدایه عزالدین محمود کاشانی (که مشتمل بر ده باب است و هر باب ده فصل دارد) شباهت آنها آشکار می‌شود. مؤلف بسیاری از مطالب خود را عیناً از این کتاب نقل کرده است. عناوین و مطالب قسم سوم (که شامل ده باب و صد درجه است) تا میزان زیادی با عناوین «قسم»ها و «باب»های منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری یکسان است.

مؤلف ابتدا درباره هر باب و هر درجه تعریف و توضیحی نسبتاً کوتاه که بعضاً با استناد به

نگاهی به احوال و آثار انقروی و گزیده او از مثنوی با عنوان نصاب مولوی / ۱۵۳

آیات و احادیث و یا سخنان مشایخ تصوف همراه است، ارائه کرده و آنگاه به تناسب، ابیاتی را از دفاتر مختلف مثنوی نقل کرده است.

زبان اثر فاقد سلاست و شیوایی است و پر پیداست که مؤلف خوب فارسی نمی‌دانسته است. ترکیبات نامأنوس و جملات ناقص و نارسا در نوشته‌های مؤلف کم نیست. عبارات سلیس و روان هم عمدتاً رو نویسی از آثار عرفانی فارسی مانند مصباح الهدایه با کمترین دخل و تصرف است.

۳- نسخه‌های خطی نصاب مولوی

از نصاب نسخه‌های خطی متعددی در کتابخانه‌های ایران و دیگر کشورها خصوصاً ترکیه وجود دارد که شماری از آنها از این قرار است:

۱. کتابخانه سلیمانیه (ترکیه)، نسخه شماره ۱۵۲۴.

تاریخ کتابت: ۱۰۶۲ه.ق/۱۶۵۱م.

کاتب: احمد بن محمود بن علی.

۷۲ برگ، خط تعلیق، جلد چرم

آغاز: حمد بی‌شمار و شکر و ثنای...

انجام: بر دست فقیر کم مایه احمد بن محمود بن علی فی سنه ۱۰۶۲.

۲. کتابخانه سلیمانیه (ترکیه)، نسخه شماره ۲۳۱.

تاریخ کتابت: ۱۱۰۸ه.ق/۱۶۹۶م.

کاتب: خلیل بن اسماعیل المودرنولی.

۷۲ برگ، خط تعلیق، جلد چرم.

آغاز: «حمد بی‌شمار و شکر و ثنای... این فقیر مولوی اعنی شیخ اسمعیل انقروی در روز

عید و در وقت مبارک و سعید به زیارت شیخ الاسلام...».

انجام: «عن ید عبد الفقیر... خلیل ابن اسمعیل المودرنولی سنه ۱۱۰۸».

۳. نسخه موزه قونیه (ترکیه)، نسخه شماره ۲۱۰۴.

۵۳ برگ، خط تعلیق، جلد چرم.

آغاز: «حمدی بی‌شعار و شکر و ثنای...»

انجام: «یا الهی تو بده ما را تمام در تمام عمر حسن اختتام»

(Yetik,loc.cit)

۴. کتابخانه مرعشی (قم)، نسخه شماره ۱۰۱۸۷.

تاریخ کتابت: نزدیک به عصر مؤلف.

۶۵ برگ، خط نستعلیق، جلد تیماج سبز.

آغاز: «حمد و ثنای بیشمار و شکر بی هنجار آن مبدعی و آفریدگاری که بیک کلمه کن چندین هزار کلمات حقایق را از ام الکتاب».

انجام: «از اشارت‌های دریا سر متاب ختم کن و الله اعلم بالصواب»

۵. کتابخانه مرعشی (قم)، نسخه شماره ۷۸۹۶

۱۲۸ برگ، خط نستعلیق، جلد تیماج مشکی بدون مقوا

آغاز: «حمد بی شمار و شکر و ثنای بی هنجار آن مبدعی و آفریدگاری را که به یک کلمه کن چندین هزار کلمات حقایق را...»

انجام: «یا الهی تو بده ما را تمام در تمام عمر حسن اختتام

بالنّبی الصادق الوعد الامین ... ختم المرسلین»

۶. کتابخانه ملی تبریز

تاریخ کتابت: ۱۲۶۴ه.ق.

۳۹ برگ، خط نستعلیق، جلد چرمی

آغاز: «بسمله. حمد بی شمار و شکر و ثنای بی هنجار آن مبدعی و آفریدگاری را که به یک کلمه کن چندین هزار کلمات حقایق را...»

۷. کتابخانه نسخه‌های فارسی دانشگاه لس آنجلس، شماره نسخه C۱۱۳

تاریخ کتابت: سده ۱۲ و ۱۳.

نستعلیق ترکی

۸. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، نسخه شماره ۶۵۳۲.

تاریخ کتابت: ۱۲۳۴ه.ق.

۶۲ برگ، خط نستعلیق، جلد گالینگور.

۹. کتابخانه ملک، نسخه شماره ۴۸۴۸

کاتب: سید شمس الدین

تاریخ کتابت: ۱۲۵۹ه.ق.

۵۴ برگ، جلد میشن آلبالویی مغزی

آغاز: «بسمله. حمد بی شمار بی هنجار آن مبدع و آن آفریدگاری را...»

انجام: «یا الهی تو بده ما را تمام	در تمام عمر حسن اختتام
یا نبی الصادق الوعد الامین آمین	ای... ختم المرسلین
چون به ختم آمد وجود این رقم	لفظ «خاتم» شد بر او تاریخ هم»

پی‌نوشت‌ها:

۱- برای اطلاع بیشتر درباره انقروی به این کتاب مراجعه کنید: Yetik, Erhan, Ismail-i Ankaravî, Hayati, Eserleri ve Tasavvufî Görüşleri, İstanbul, 1992. (ارهان یتیک، اسماعیل انقروی، زندگی، آثار و دیدگاه‌های عرفانی، استانبول، ۱۹۹۲).

۲- کلمه نصاب را می‌توان معادل واژه انگلیسی curriculum (برنامه درسی) دانست.

۳- در نسخه قونیه به این صورت آمده است:

«گر بگویم تا قیامت نعت او هیچ آن را مقطع و غایت مجو»

۴- در نسخه قونیه به این صورت آمده است:

«یک دهان خواهم به پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشک ملک»

۵- مؤلف به کتاب دیگر خود یعنی طریقت نامه اشاره کرده است که ظاهراً همان رساله اصول طریقت است.

۶- در هیچ یک از نسخه‌های خطی نصاب مولوی، غنچه صدر برگ در عنوان کتاب نیامده است.

۷- ظاهرالمولوی داستان ترجمه‌اش را در مقدمه کتاب فوق چنین نقل کرده است: در تاریخ ۱۳۱۲ه.ق، هنگامی که در خانقاه بنی قاپی چله نشین بودم، در کتابخانه شخصی مرحوم دده افندی - که شیخ استادم، محمد جلال الدین، بوده است - اوراق پریشان ۸ تا ۱۰ صفحه‌ای دیدم و متوجه شدم که این اوراق ترجمه صفحات آغازین نصاب المولوی است و به برادر کوچک شیخ مرحوم، کمال الدین شوخی دده تعلق داشته است. ترجمه ناتمام شوخی دده را به مطالعه گرفتم. نصاب المولوی از آن شارح مثنوی، اسماعیل انقروی است که این اثر را به تشویق شیخ الاسلام یحیی افندی تألیف نموده است... تصمیم گرفتم نصاب را که حضرت شارح آن را برای درک بهتر مفاهیم منهاج الفقرا تألیف کرده است، ترجمه کنم. به یاری پروردگار و با بهره‌گیری از شرح مثنوی حضرت شارح توانستم این کار را به انجام برسانم. هدفم خدمت به برادرانم و طریقتم بوده است. ان شاء الله حق تعالی زحماتم را با کمال کرامتش قبول فرماید و مایه رحمت و مغفرت این عبد عاجز قرار دهد. آمین (صص ۱۱-۱۳ با تلخیص).

۸- این تقسیم کمی غریب است چرا که معمولاً اهل عرفان مراحل سیر و سلوک به این ترتیب ذکر کرده اند: شریعت، طریقت و حقیقت. از آن جمله، شبستری گفته است:

«شریعت پوست، مغز آمد حقیقت میان این و آن باشد طریقت»

(مجموعه آثار شبستری: گلشن راز، بیت ۳۵۵)

منابع و مأخذ:

الف) فارسی

- ۱- انقروی، اسماعیل، حجه السماع، ترجمه: توفیق سبحانی، نامه انجمن، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۶.
- ۲- حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، بیروت ۱۴۱۰/۱۹۹۰.
- ۳- رسوخ الدین اسماعیل انقروی، ۱۳۷۴، شرح کبیر انقروی، ترجمه: عصمت ستارزاده، ج ۱، زرین، تهران.
- ۴- سلماسی زاده، جواد، ۱۳۶۹، تفسیر مثنوی مولوی، ج ۱، اقبال، تهران.
- ۵- شبستری، شیخ محمود، ۱۳۷۱، مجموعه آثار (گلشن راز)، به اهتمام: صمد موحد، طهوری، تهران.
- ۶- فروزانفر، بدیع الزمان، ۱۳۴۶، شرح مثنوی شریف، تهران.
- ۷- گولپینارلی، ۱۳۶۶، مولویه بعد از مولانا، ترجمه: توفیق سبحانی، کیهان، تهران.
- ۸- لوئیس، فرانکلین دین، ۱۳۸۵، مولانا: دیروز تا امروز، شرق تا غرب، ترجمه: حسن لاهوتی، نامک، تهران.
- ۹- نیکلسون، ۱۳۷۴، شرح مثنوی، ج ۱، ترجمه: حسن لاهوتی، علمی و فرهنگی، تهران.

ب) ترکی

10- şeyh İsmail Ankaravî, Nisabül- mevlevi: Mevlevilik yolunun esasları, Hazırlayan: bekir şahin, Damla, İstanbul, 2007.

11- Yetik, Erhan, İsmail-i Ankaravî, Hayati, Eserleri ve Tasavvufî Görüşleri, İstanbul, 1992.